Islamic Maaref University

Scientific Journal
The History of Islamic Culture And Civilization

Vol. 15, Autumn 2024, No. 56

Jihadization of civilian needs of civilization; Based on the view of Ahl al-Bayt

Mohammad Mustafa Asadi [1]

1. Assistant Professor, Department of Islamic Studies, Faculty of Medicine, Iran University of Medical Sciences, Tehran, Iran.
asady.m@iums.ac.ir

Abstract Info

Article Type:
Research Article

Received:
2024.06.29
Accepted:
2024.09.28

Abstract

The problem of the research is that based on the perspective of the Ahl al-Bayt (AS), which of the civilian duties of civilization have been introduced as Jihad? According to the findings of the analytical method, everyone's commitment to standard culture, the constructive activism of men and women in the institution of the family, the constructive social activism of believers, scientific struggle and knowledge production, and finally, justice and anti-corruption in the institution of governance are known as civil jihads in the field of civilization. As a result, it was determined that the common fruit of these cases with military jihad in creating security and power generation, caused that in the eyes of the infallibles, the title of jihad corresponds to these issues. In addition, Islamic culture rejects the impasse and limited access to the value of jihad in civilian conditions by considering the above cases as Jihad. In the end, civilized jihads, like military jihad, require a kind of self-sacrifice. Because in certain circumstances, it can lead to the danger of life for the civilized mujahid.

Keywords Civilization, Islamic culture, Ahl al-Bayt, jihadism, Islamic civilization.

Cite this article: Asadi, Mohammad Mustafa (2024). Jihadization of civilian needs of civilization; Based on the view of Ahl al-Bayt. *The History of Islamic Culture And Civilization*. 15 (3). 63-82. DOI: https://doi.org/10.22034/15.56.61

DOI: https://doi.org/10.22034/15.56.61

Publisher: Islamic Maaref University, Qom, Iran.

مجلة علمية
تاريخ الثقافة والحضارة الإسلامية
جامعة المعارف الاسلامية
السنة ١٥ / الخريف عام ١٤٤٦ / العدد ٥٦

تباهى جهاد الواجبات غير العسكرية لصنع الحضارة على اساس رؤيه اهل البيت عليهم السلام

محمد مصطفي اسعدي [١]

١. استاذ مساعد فرع المعارف الاسلامية، كلية الطب، جامعة العلوم الطبية الايرانية، طهران، ايران.

asady.m@iums.ac.ir

معلومات المادة	ملخّص البحث
نوع المقال: بحث **تاريخ الاستلام:** ١٤٤٥/١٢/٢٢ **تاريخ القبول:** ١٤٤٦/٠٣/٢٤	مساله البحث هي علي اساس رؤية اهل البيت عليهم السلام، اي من الواجبات غير العسكرية لصنع الحضارة، باعتبارها يعرف علي انه جهاد؟ حسب حصيله البحث باسلوب تحليلي، الالتزام الجماعي بثقافه المعيار، العمل البناء للرجل و المرأة في مؤسسة الاسرة، العمل البناء الاجتماعي لآحاد المؤمنين، الجهاد العلمي، الجهاد العلمي و توليد العلم و اخيرا، العداله و مكافحه الفساد في مؤسسة الحكم باعتبارها جهاد غير عسكري في مضمار حضاري يتم التعرف عليهم. بالنتيجة تبيّن ان الثمرة المشتركه لهذه الحالات بالجهاد العسكري في خلف الامن و القدرة، ادي الي انه في نظرة المعصومين عليهم السلام عنوان الجهاد منطبق علي هذه المواضيع. اضافه الي ذلك، الثقافه الاسلامية بتباهي الجهاد للحالات اعلاه، يرفض الانسداد و موانع فيل قيمه الجهاد في الظروف غير العسكرية. في النهاية، الجهاد الحضاري مثل الجهاد العسكري، بحاجة الي نوع من الايثار و الفداء. ذلك لانه في الظروف الخاصه يمكن ان يؤدي الي خطر الموت للمجاهد الحضاري.
الألفاظ المفتاحية	صنع الحضارة، الثقافة الاسلامية، اهل البيت، الجهاد، الحضارة الاسلاميه.
الاقتباس:	اسعدي، محمد مصطفي (١٤٤٦). تباهي جهاد الواجبات غير العسكرية لصنع الحضارة علي اساس رؤيه اهل البيت عليهم السلام. *مجلة تاريخ الثقافة والحضارة الأسلامية*. ١٥(٣)، ٨٢ـ٦٣. DOI: https://doi.org/10.22034/15.56.61
رمز DOI:	https://doi.org/10.22034/15.56.61
الناشر:	جامعة المعارف الإسلامية، قم، ايران.

نشریه علمی
تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی
دانشگاه معارف اسلامی
سال ۱۵، پاییز ۱۴۰۳، شماره ۵۶

جهادانگاری بایسته‌های غیرنظامی تمدّن‌سازی مبتنی بر دیدگاه اهلِ‌بیت علیهم‌السلام

محمدمصطفی اسعدی [۱]
۱. استادیار گروه معارف اسلامی، دانشکده پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی ایران، تهران، ایران.
asady.m@iums.ac.ir

اطلاعات مقاله

نوع مقاله: پژوهشی
(۶۳ ـ ۸۲)

تاریخ دریافت:
۱۴۰۳/۰۴/۰۹
تاریخ پذیرش:
۱۴۰۳/۰۷/۰۷

چکیده

مسئله پژوهش آن است که مبتنی بر دیدگاه اهلِ‌بیت علیهم‌السلام، کدام‌یک از بایسته‌های غیرنظامی تمدّن‌سازی، به‌عنوانِ جهاد معرّفی شده‌اند؟ وفق یافته‌های پژوهش به روشِ تحلیلی، التزام همگانی به فرهنگ معیار، کنش‌گری سازنده مرد و زن در نهاد خانواده، کنش‌گری سازنده اجتماعی آحاد مؤمنان، مجاهدت علمی و تولید دانش و سرانجام، عدالت‌ورزی و فسادستیزی در نهاد حاکمیّت به‌عنوانِ جهادهای غیرنظامی در عرصه تمدّنی شناخته می‌شوند. درنتیجه مشخّص گردید که ثمره مشترک این موارد با جهاد نظامی در امنیّت‌آفرینی و قدرت‌زایی، باعث گردیده که در نگاه معصومان علیهم‌السلام، عنوانِ جهاد منطبق بر این موضوعات باشد. به‌علاوه، فرهنگ اسلامی با جهادانگاری موارد فوق، بن‌بست و محدودیّت دسترسی به ارزش جهاد را در شرایط غیرنظامی، مردود می‌انگارد. درنهایت، جهادهای تمدّنی بسان جهاد نظامی، نیازمند نوعی ایثارگری و فداکاری است. زیرا در شرایط خاصّی می‌تواند خطر جانی برای مجاهد تمدّنی به دنبال داشته باشد.

واژگان کلیدی: تمدّن‌سازی، فرهنگ اسلامی، اهلِ‌بیت، جهادانگاری، تمدّن اسلامی.

استناد: اسعدی، محمدمصطفی (۱۴۰۳). جهادانگاری بایسته‌های غیرنظامی تمدّن‌سازی مبتنی بر دیدگاه اهلِ‌بیت علیهم‌السلام. *تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی*. ۱۵ (۳). ۸۲ ـ ۶۳. DOI: https://doi.org/10.22034/15.56.61

کد DOI: https://doi.org/10.22034/15.56.61

ناشر: دانشگاه معارف اسلامی، قم، ایران.

طرح مسئله

نیک می‌دانیم فرهنگ معیار اسلامی که در آموزه‌های قرآن و اهل‌بیت به شکلی جامع و کامل تبیین و ترسیم شده است، ظرفیّت ایجاد تمدّن تراز اسلامی را در هر منطقه و در میان هر جمعیتی دارد و این دو عامل اصیل، چنان ظرفیّتی دارند که سازنده بهترین و کارآمدترین شکل از حیات تمدنی باشند. ازهمین‌رو تمدن‌پژوهان مسلمان، مدت‌هاست به واکاوی عناصر و عواملی می‌پردازند که ثقلین در رویکرد نظری یا عینی، به‌عنوان عامل اعتلا یا انحطاط تمدّن شناسانده اند. در این میان شناخت و تحلیل بیانات و دیدگاه‌های اهل‌بیت که زیست تاریخی ایشان در عصر شکل‌گیری و حرکت تمدّن اسلامی به‌سمت دوران طلایی خود بوده، از اهمیت شایانی برخوردار است؛ زیرا ایشان علاوه‌بر اینکه ترجمان راستین کتاب وحی بوده‌اند،[1] جامعه‌پردازی را به انحاء گوناگون و در شرایط مختلف دنبال کرده‌اند؛ چه در شرایط محدودی که مانند امیرالمؤمنین علی‌علیه‌السلام در جایگاه حکومت و دولت نقش‌آفرین بودند و چه در وضعیت مستمری که بنی‌امیه و بنی‌عباس، عرصه سیاسی را بر ایشان تنگ کرده بود و آن بزرگواران در جایگاه غیرحاکمیتی به ایفای نقش می‌پرداختند.

به‌هرروی مداقّه عمیق‌تر در گفتار اهل‌بیت نشان‌گر آن است که ایشان در نوع نگاه منحصر به فرد خود، علاوه‌بر تعریف جهاد نظامی به‌عنوان یک عنصر مهم امنیت‌آفرین، اقتدارزا و ظلم‌زدا در جغرافیای داخلی و خارجی تمدن اسلامی، برخی الزامات غیرنظامی را به‌عنوان جهاد شناسانده و در حقیقت، آن موارد را «جهادانگاری» کرده‌اند. براین‌اساس مسئله پژوهش حاضر آن است که در دیدگاه اهل‌بیت، کدام‌یک از الزامات غیرنظامی تمدّن‌سازی، به‌عنوان جهاد انگاشته شده‌اند؟

ضرورت این مسئله از یک سو مرتبط با ضرورت فهم بینش تمدنی اهل بیت است که بدون درک کاربست واژگان مختلف در گفتار ایشان میسور نخواهد بود. از سوی دوم ناظر به ضرورت تمدن سازی در دوره احیاء است که نیازمند استخراج و به کار گیری عناصر و الگوهایی است که در فرهنگ اصیل اسلامی به عنوان مؤلّفه تمدنی شناخته می شوند. بر این مبنا، تحلیل این بسته از بیانات پیشوایان دین می تواند در زمینه اولویت‌شناسی الزامات تمدن‌سازی کارآمد باشد.

با بررسی‌های صورت‌گرفته پیش‌از این پژوهشی منطبق با مسئله حاضر انجام نشده است. در پژوهشی با عنوان «بررسی الگوی تربیتی مبتنی بر جهاد در زمینه‌سازی تمدّن نوین اسلامی»[2] نویسندگان به جایگاه جهاد در نوع مواجهه تمدن اسلامی با تمدن های رقیب براساس چهار نوع رویارویی

---

۱. «... تراجمه لوحیه ...» ابن‌قولویه، ***کامل الزیارات***، ص ۳۱۸.

۲. رجبی و میرزامحمدی، ***مطالعات بنیادین تمدن نوین اسلامی***، دوره ۱، بهار و تابستان ۱۳۹۷، ش ۱.

هجوم، دفاع، تقیّه و هجرت پرداخته‌اند و به این یافته رسیده‌اند که بایستی تمدن اسلامی در موقعیت فعال و هجومی قرار بگیرد. این پژوهش علاوه‌بر آنکه بر دیدگاه اهل‌بیت، تمرکزی ندارد، به موضوعات غیر نظامی که در پژوهش حاضر مطرح خواهد شد نیز عنایتی ندارد. در پژوهشی دیگر با عنوان «بررسی چیستی جهاد کبیر و نقش آن در تمدن‌سازی اسلامی»[1] نگارنده از طریق تشریح سابقه تاریخی جهاد کبیر در صدر اسلام، آن را در ساحت انقلاب اسلامی بررسی کرده که باز هم رویکردی متفاوت از پژوهش حاضر دارد.

پیش‌فرض در پژوهش حاضر آن است که جهادانگاری الزامات تمدن‌سازی از منظر اهل‌بیت، مبتنی بر اولویت‌های تمدنی در بینش ایشان بوده و ائمه با توجه به الزاماتی که در تمدن‌سازی، نقشی اساسی و همسو با جهاد دارند، برخی از آن‌ها را به مثابه جهاد انگاشته‌اند تا هم بر اهمیت وافر آن تأکید کرده باشند و هم نقش‌آفرینی در این عرصه‌ها را دارای ثمراتی همسو با جهاد نظامی بدانند.

مفاهیم

۱. جهادانگاری

این اصطلاح ترکیبی، ابداع نگارنده است و پیش‌از این نیز توسط حقیر در پژوهشی دیگر، ناظر به دیدگاه‌های تمدنی رهبر انقلاب بررسی شده است.[2] این اصطلاح از دو واژه «جهاد» و «انگاره» ترکیب شده است. جهاد یکی از فروعات ده‌گانه شریعت در فرهنگ اسلامی است که در دانش فقه برای آن ضوابط و شرایط مشخصی تعریف شده[3] و ناظر به نبرد نظامی با دشمنان امت اسلامی است که انجام و ترک آن وابسته به امر و نهی حاکم شرع است. جهاد نظامی به‌عنوان یک فریضه و یک واجب کفایی شناخته می‌شود که با تأمین نیروی کافی از سوی گروهی از مسلمانان مبارز، از دیگران منتفی می‌شود.

واژه انگاره را به معنای پندار، وهم، گمان، داستان، سرگذشت، اندازه و قیاس دانسته‌اند.[4] در پژوهش حاضر مقصود از ترکیب این واژه با واژه جهاد این است که موضوعاتی که مصداق رایج جهاد نظامی به شمار نمی‌روند، مبتنی بر فرهنگ اسلامی به‌عنوان جهاد تلقّی شوند. در واقع جهادانگاری، به معنای تقلّی و انگاشتن هنجارهایی از فرهنگ اسلامی است که در چهارچوب جهاد فقهی و نظامی تعریف نمی‌شوند.

---

۱. مشایخی‌پور، ***پژوهش‌های گفتمان تمدنی انقلاب اسلامی***، سال دوم، پاییز و زمستان ۱۴۰۱، ش ۴، ص ۲۲۸ ـ ۲۰۵.

۲. اسعدی، «تعلیل جهادانگاری الزامات غیرنظامی تمدن‌سازی مبتنی بر اندیشه تمدنی رهبر انقلاب»، ***نشریه مطالعات سیاسی تمدن نوین اسلامی***، ۷ (۴)، ص ۳۰ ـ ۱۲.

۳. حر عاملی، ***وسائل الشیعه***، ج ۱۵، ص ۹ به بعد.

۴. معین، ***فرهنگ فارسی***، ج ۱، ص ۲۰۹.

۲. تمدن‌سازی

اصطلاح تمدن که ارتباط مستقیم با شهرآیینی انسان و حیات اجتماعی و بین‌المللی او دارد، در نگاه تمدن پژوهان تعاریف متعددی دارد. از میان اندیشمندان داخلی، برخی آن را به معنای تشکّل هماهنگ انسان‌ها در حیات معقول با روابط عادلانه و اشتراک گروه‌های جامعه در پیشبرد اهداف مثبت انسان‌ها می‌دانند.[۱] برخی تمدن‌نگاران غربی نیز آن را به معنای نظامی اجتماعی می‌دانند که موجب تسریع دستاوردهای فرهنگی می‌شود.[۲] در نگاه نگارنده، تمدن به‌صورت روشن ناظر به «نمود حیات جمعی بشر»[۳] است که در ساحت های گوناگون حاکمیت، حیات علمی، اقتصاد، شهرسازی، معماری و غیره بروز می‌یابد. آنگاه تمدن‌سازی ناظر به عواملی است که می‌توانند در شکل‌گیری، حرکت و پیشرفت و گسترش این موضوع و حتی ماندگاری و مانایی این موضوع اثرگذار باشند. براین اساس، دین و فرهنگ که به‌صورت روشن به‌عنوان دو عامل پیدایی تمدن شناخته می‌شوند،[۴] می‌توانند آموزه‌هایی ارائه دهند که در این فرایند اثرگذار باشند.

۳. فرهنگ اسلامی

اصطلاح کهن فرهنگ، در دیدگاه های داخلی و خارجی دارای تعاریف فراوان و متکثری است که باعث شده است، برخی حتی این تعاریف را در گونه‌های تاریخی، ایدئولوژیک، روان‌شناسی و غیره دسته‌بندی کنند؛[۵] اما به‌صورت کلی می‌توان این موضوع را ناظر به کیفیت حیات موجود و مطلوب انسان[۶] دانست که دربرگیرنده تمام عناصر مشترک میان هر جامعه در عرصه بینش، ارزش و کنش باشد و متمایز از هرگونه حیات حیوانی و نباتی تعریف شود.

فرهنگ اسلامی به‌صورت مشخص دربرگیرنده هنجارها و ناهنجاری‌هایی است که در نظام بینشی و منشی آیین اسلام تعریف شده و به‌عنوان یک بسته نرم‌افزاری فراعصری و فراسرزمینی در اختیار جامعه بشریت قرار گرفته است. خاستگاه این فرهنگ، تمام آموزه‌های قرآن و اهل‌بیت به‌عنوان دو وزنه‌ای است که در دیدگاه رسول خدا ﷺ عامل رهایی از گمراهی امت اسلامی شناسانده شده‌اند.[۷]

---

۱. جعفری، ***ترجمه و تفسیر نهج‌البلاغه***، ج ۵، ص ۱۶۱.
۲. دورانت، ***درآمدی بر تاریخ تمدن***، ص ۲۵۶.
۳. اسعدی، ***تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی***، ص ۲۹.
۴. کاشفی، ***تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی***، ص ۵۳.
۵. صالحی امیری، ***مفاهیم و نظریه‌های فرهنگی***، ص ۳۱.
۶. اسعدی، ***تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی***، ص ۲۴.
۷. خزاز رازی، ***کفایه الاثر***، ص ۸۷.

۴. اهل‌بیت

این اصطلاح، عنوانی وحیانی[۱] روایی[۲] است که ناظر به شخص رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله و افراد شاخص از فرزندان، بستگان و نسل ایشان است که دارای جایگاه ویژه الهی و دینی بوده اند و به‌جهت برخورداری از جایگاه عصمت، به‌عنوان معصومان هم شناخته می‌شوند. این گروه چهارده نفری در مبنای مشخص شیعی، در برگیرنده حضرت زهرا علیهاالسلام، امیرالمؤمنین علی علیه‌السلام، حسنین علیهماالسلام و نُه نفر از ذریّه ایشان است که در روایات شیعی به‌صورت مصداقی شناخته شده هستند.[۳] لذا روشن است که این اصطلاح، شمولی نسبت به همسران و سایر فرزندان و بستگان نسبی و سببی پیامبر و سایر فرزندان ائمه ندارد.

یافته‌ها

در فرهنگ اسلامی مفهوم جهاد، علاوه‌بر جایگاهی که در شریعت و در عرصه نظامی دارد، سایر عرصه اجتماعی نیز تعریف شده است که می‌تواند تأمین‌کننده نیازهای یک تمدن دینی باشد. این نگاه در وهله نخست، در چگونگی ایفای نقش جهادی توسط انسان نیز تعریف شده است؛ یعنی اهل‌بیت علاوه‌بر آنکه برای جهاد عرصه‌های گوناگون تعریف کرده‌اند، خاستگاه کنشی آن در وجود انسان را نیز متفاوت دیده‌اند؛ همان‌گونه که امیرالمؤمنین علی علیه‌السلام جهاد با دست، جهاد با زبان و جهاد با قلب را مطرح کرده‌اند.[۴] این گونه‌شناسی به روشنی می‌فهماند که همه عرصه‌های جهاد، منحصر به عرصه نظامی نیست؛ زیرا اساساً جهاد با زبان یا قلب، در جهاد نظامی تعریف نمی شوند. دقیقاً به همین جهت است که در نگاه ایشان، ضدّ و نقطه مقابل جهاد، «نُکول» تعریف شده[۵] که به معنای امتناع و ترک اقدام شمرده شده است.[۶] پس جهادگری مفهومی در اقدام و کنش می‌یابد که می‌تواند نقش تمدنی را نیز شامل شود؛ هرچند عنوان عام جهاد و یا جهاد فی سبیل الله، متبادر به همان جهاد نظامی است. به‌هرروی یافته‌های پژوهش حاضر در جهادانگاری الزامات غیرنظامی تمدن‌سازی شامل موارد ذیل است:

۱. التزام همگانی به فرهنگ معیار

می‌دانیم در دیدگاه اهل‌بیت، «طاعت»[۷] نسبت به خداوند متعال به‌صورت کلی و «اطاعت

---

۱. احزاب / ۳۳.
۲. مفید، ***الارشاد***، ج ۱، ص ۲۳۳.
۳. خزاز رازی، ***کفایه الاثر***، ص ۴۱.
۴. قمی، ***تفسیر القمی***، ج ۱، ص ۲۱۳.
۵. برقی، ***محاسن***، ج ۱، ص ۱۹۷؛ کلینی، ***الکافی***، ج ۱، ص ۲۲.
۶. ابن اثیر جزری، ***النهایه فی غریب الحدیث و الاثر***، ج ۵، ص ۱۱۷.
۷. «... الطاعه نظاماً للملّه ...» خطبه فدکیه حضرت زهرا علیهاالسلام. (ابن‌بابویه، ***علل الشرائع***، ج ۱، ص ۲۴۸)

از ائمه»[۱] دوازده‌گانه در عینیّت جامعه، مایه انتظام‌یابی ملت شمرده شده است. بر همین اساس آنچه که باعث می‌شود جامعه ایمانی در مدار شریعت به شاکله‌ای منظم و مسنجم برسد و از هرگونه آسیب در امان بماند، همراهی عمومی با هنجارهایی است که ایشان در گفتارها و رفتارهای خود آموخته‌اند. از منظر فرهنگ اسلامی، تمدن‌سازی نه صرفاً به‌وسیله حاکمان و دولت‌مردان در ساختاری سلطنتی یا پادشاهی تحقق می‌یابد و نه فقط با نقش فعالان مدنی و مردمی ایجاد می‌شود، بلکه نقش همگانی آحاد جامعه در عموم نقش‌های درونی و بیرونی موجب تحقق تمدن اسلامی می‌شود. ازهمین‌رو نرم‌افزار فوق می‌کوشد تا پای‌بندی حداکثری به فرهنگ معیار را در تک‌تک افراد جامعه ایمانی ترویج نماید و از این بستر، مسیر تمدن‌سازی را هموار نماید.

پررنگ‌ترین گزاره دینی در جهادانگاریِ التزام به فرهنگ معیار، مفهوم جهاد با نفس است که فراوان در روایات اسلامی مورد تأکید قرار گرفته است؛ برای نمونه رسول خدا ﷺ فرمود: «با فضیلت‌ترین جهاد را کسی انجام می‌دهد که با نفس خود جهاد کند»؛[۲] اما گزاره تاریخی مرتبط با آن، نقل امیرالمؤمنین است که فرمود: «رسول خدا ﷺ گروهی از مسلمانان را به سریه‌ای اعزام فرمود. هنگامی که آنان از نبرد بازگشتند، به ایشان فرمود: "مرحبا به گروهی که جهاد اصغر را به جا آوردند و اینک باید جهاد اکبر را هم به جا بیاورند". گفته شد: " جهاد اکبر چیست؟" فرمود: "جهاد با نفس"».[۳] در صفحات تاریخ شاهد هستیم که امیرالمؤمنین، حتی در خلال عرصه نظامی نیز رزمندگان را به جهاد با نفس سفارش می‌کند.[۴] این مجاهده، گستره ای وسیع دارد که هرگونه خروج از فرهنگ معیار را در نظام رفتاری انسان شامل می‌شود. در واقع جهاد با نفس، خودسازی و تلاش مستمر برای التزام به دینی است که به‌عنوان فرهنگ معیار شناخته می‌شود. لذا اهل‌بیت، جهاد با نفس را با دو مؤلّفه کلی پای‌بندی به اطاعت خدا و پرهیز از معاصی شناسانده‌اند.[۵]

در برخی دیگر از گفتارهای ایشان، جهاد با رویکرد دوگانه انحصاری (با واژه انّما) تعریف شده که بُعد نخست آن، «اجتناب از محرّمات» و بعد دوم آن، «مجاهده با دشمن» یا همان جهاد نظامی است.[۶] با لحاظ این تقسیم، جهاد غیرنظامی، بر جهاد نظامی اولویت نیز می‌یابد و به نظر می‌رسد که اگر فرد مؤمن

---

۱. «... طاعتنا نظاماً للملّه ...» خطبه فدکیه حضرت زهرا ؑ. (اربلی، ***کشف الغمه***، ج ۱، ص ۴۸۳)

۲. ابن‌اشعث، ***الجعفریات***، ص ۷۸.

۳. ابن‌بابویه، ***معانی الاخبار***، ص ۱۶۰.

۴. ثقفی، ***الغارات***، ج ۱، ص ۱۹.

۵. تمیمی آمدی، ***تصنیف غررالحکم***، ص ۲۴۲.

۶. ثقفی، ***الغارات***، ج ۲، ص ۳۴۳.

نتواند گونه نخست را در نظام رفتاری خود محقّق سازد، نمی‌تواند آمادگی لازم را برای حضور در عرصه جهاد نظامی کسب کند.

ممکن است این پرسش مطرح شود که آیا می توان جهاد با نفس یا اجتناب از گناهان را یک مقوله تمدنی لحاظ کرد؟ یا اینکه این موضوع، صرفاً یک مسئله اخلاقی، معنوی و تربیتی لحاظ می‌شود؟

در پاسخ بایستی دقت داشت که اگر ثمره این مجاهده، در حیات شخصی و حریم خصوصی افراد بروز پیدا کند، مسئله تمدنی نخواهد بود؛ اما اگر این جهاد به مسائلی مربوط شود که رفتار انسان را در نسبت با اقشار جامعه و جهان تعیین می کند، قطعاً مسئله تمدنی خواهد بود. به دیگر سخن، خودسازی در کنشگری نسبت به خود و کنشگری نسبت به جامعه، بایستی متفاوت لحاظ شود. به همین جهت در سایر بیانات اهل‌بیت، بُعد ضابطه‌مند این موضوع در نظام رفتاری انسان، به‌صورت روشن جهادانگاری شده است. امام باقر علیه‌السلام فرمود: «کدام جهاد با فضیلت تر از عفّت شکم و شهوت است؟»[1] هنجارمندی در خوراک و مسائل جنسی، ظرفیت وسیعی در حراست و صیانت جامعه از انواع خیانت های مالی و خانوادگی دارد که هم نظام اقتصادی را سالم نگه می‌دارد و هم نهاد خانواده را مصونیت می‌بخشد.

نکته دقیق‌تر آنکه در جهاد با نفس گاهی سخن از عملکرد فردی است و گاهی عملکرد جمعی؛ یعنی گاهی یک فرد، امر به جهاد با نفس می‌شود، گاهی این امر به جهاد، ناظر به جمعیت و پیکره اجتماعی است؛ همان‌گونه که در همین بیان، مخاطبِ رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله فرد نبوده و ایشان با کاربست واژه «قوم»، جهاد جمعی را تعریف نموده است. اگر گزاره فوق با این نگاه لحاظ ، آنگاه مشخص می‌شود که این مجاهده عمومی، کاملا موضوعی تمدنی بوده و تأثیرات اجتماعی و بین‌المللی خواهد داشت؛ همان‌گونه که امیرالمؤمنین جهاد را در چهار شعبه تعریف و برای هر چهار بعد، تأثیری نسبت به سایر افراد جامعه و جهان لحاظ کرده‌اند.[2] البته زوایای این جهاد جمعی و چگونگی تحقق آن، موضوعی مستقل بوده و از حدود این پژوهش خارج است.

جالب است که در دیدگاه اهل‌بیت، ثمره این‌گونه از جهاد، به‌صورت روشن، همسو با جهاد نظامی دانسته و در واقع، جهادانگاری از طریق یکسان‌انگاریِ نتیجه، دنبال شده است؛ همان‌گونه که آن بزرگواران کسی را که جهاد با نفس می کند، نزد خدا به‌منزله «نیکوکارِ شهید» دانسته‌اند.[3] این

---

۱. برقی، ***محاسن***، ج ۱، ص ۲۹۲.

۲. کلینی، ***الکافی***، ج ۲، ص ۵۱؛ «... الجهاد علي اربع شعب؛ علي الامر بالمعروف والنهي عن المنكر والصدق في المواطن وشنآن الفاسقين ...».

۳. تمیمی آمدی، ***تصنیف غرر الحکم***، ص ۲۴۲.

ارزش‌گذاری علاوه‌بر آنکه محدودیت دستیابی به مقام شهید در شرایط غیرنظامی را می‌زداید، سنگینی و سختی این موضوع را نیز در منش فردی و جمعی جامعه ایمانی یادآور می‌شود.

نکته پایانی در این بخش آنکه همسو با جهادانگاری کلی، جهادانگاری موردی نیز نسبت به هنجارهای تعریف‌شده در فرهنگ اسلامی قابل رهگیری است. این موضوع نسبت به برخی هنجارهای طاقت‌فرسا و سنگین تعریف شده است. به همین جهت امامان معصوم، «روزه‌داری در هوای گرم» را مصداق جهاد دانسته‌اند.[۱] این بیان و این قید، در واقع آشکارگر وجه جهادانگاری در آموزه‌های غیرنظامی است که سختی عمل، کار را بر مؤمنان دشوار می‌سازد و آنان با التزام به این موارد، پایبندی خود را به فرهنگ اسلامی نشان می‌دهند و علاوه‌بر آن، مهارت پایبندی فرهنگی در شرایط متفاوت را به دست می‌آورند.

بر همین اساس این نوع از مجاهده، جامعه ایمانی را به ظرفیت خودکنترلی می‌رساند تا هیچ‌گونه ناهنجاری و آسیب اجتماعی در عملکرد آنان پدیدار نشود و دست‌کم به سطح حداقلی برسند. البته مشروط بر آنکه اولاً عمومی و همگانی شود و ثانیاً مستمر باشد و مقطعی نباشد. همان‌گونه که امیرالمؤمنین فرمود: «**أملکوا انفسکم بدوام جهادها**».[۲] لذا تحقّق این دو شرط، فرایندی را ایجاد می‌کند که می‌تواند خرده‌فرهنگ‌های[۳] ناهمسو با فرهنگ معیار و یا ضدّفرهنگ‌ها را از نظام رفتاری و عادات عمومی جامعه بزداید. همان‌گونه که امیرالمؤمنین فرمود: «با مجاهده می‌توان عادات منفی را از بین برد».[۴] در نهایت، نتیجه این فرایند جهادی، همسویی فرهنگ عمومی و اصلاح فرهنگ جامعه خواهد بود. چنان‌که اهل‌بیت «کمال صلاح» را به‌عنوان یک نقطه تراز فرهنگی، در مجاهده با نفس تعریف کرده‌اند.[۵]

۲. کنشگری سازنده مرد و زن در نهاد خانواده

می‌دانیم خانواده عنصر تعیین‌کننده در انتقال فرهنگ از نسلی به نسل دیگر است و هر خانواده، سلول‌های سازنده یک تمدن به شمار می‌رود. در فرهنگ اسلامی، خانواده نهادی بنیادین و اصیل به حساب می‌آید که هم ایجاد و استقرار آن و هم استمرار و استحکامش ارزش‌گذاری شده است. رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله در بیانی رسا، از خانواده با عنوان یک سازه ارزشمند یاد کرد و فرمود: «هیچ بنایی در اسلام نزد خداوند محبوب‌تر از ازدواج نیست».[۶] تعبیر دقیق «بنا» حاکی از اهمیت وافر این مسئله و نگاه ساختاری

---

۱. مجلسی، ***بحار الانوار***، ج ۹۳، ص ۲۵۷.

۲. با جهاد مداوم، مالک نفس خود گردید. (لیثی واسطی، ***عیون الحکم***، ص ۸۹)

3. Subculture.

۴. ورّام بن ابی‌فراس، ***مجموعه ورّام***، ج ۲، ص ۱۱۹.

۵. لیثی واسطی، ***عیون الحکم***، ص ۳۵۳.

۶. ابن‌بابویه، ***من لا یحضره الفقیه***، ج ۳، ص ۳۸۳.

به این کانون اثرگذار بر فرهنگ بین‌نسلی در هر جامعه است. این موضوع تا بدان‌جا اهمیت یافته که به عنوان یکی از معیارهای ایمان یا اسلام نیز شمرده شده است. لذا همان حضرت در بیانی دیگر فرمود: «کسی که امکان ازدواج داشته باشد، ولی ازدواج نکند از ما نیست».[۱]

هرچند برخی تمدن‌پژوهان بر جایگاه خانواده در اعتلا و انحطاط تمدن توجه داشته‌اند؛[۲] اما عمدتاً این کانون مهم فرهنگی و اجتماعی و کارکردهای تمدنی آن مغفول مانده است. این درحالی است که در بینش تمدنی اهل بیت، بخش مهمی از جهادانگاری، ناظر به همین موضوع بوده و آن بزرگواران بر اهمیت والای آن با این ادبیات تأکید داشته‌اند.

در گام نخست ایشان به تکاپوی فرد برای خانواده خود توجه کرده و در تشبیه فرد تلاشگر برای خانواده به مجاهد، چنین فرمودند: «**الکادّ علي عياله کالمجاهد في سبيل الله**».[۳] «کَدّ» را به معنای شدّت در عمل و طلب کسب دانسته‌اند.[۴] براین‌اساس امام صادق علیه‌السلام از فعالیتی عادی سخن نمی‌گوید، بلکه به عملی شدید اشاره می‌کند که کار را بر فرد دشوار و سنگین کرده است. به‌صورت طبیعی، بخشی از این سختی کار ناظر به هنجارمندی این تلاش و دوری از ناهنجاری‌های معیشتی است. لذا در نقطه مقابل این موضوع نیز ناهنجاری‌ای به نام کسب حرام تعریف شده است. امام صادق علیه‌السلام فرمود: «هنگامی که فرد تنگ‌دست باشد و به‌اندازه قوت خودش و خانواده‌اش کار کند و دنبال مال حرام نباشد، مانند مجاهد در راه خدا است».[۵] براین‌اساس نقش خانوادگی فوق، همسو با نقش اقتصادی آحاد افراد در جامعه، در بستر فضای سالم کسب و کار تعریف می شود. بنابراین باید این نقش خانوادگی را توأمان با عملکرد اقتصادی در یک عرصه تمدنی در نظر گرفت.

جالب است که این نقش معیشتی که در شریعت اسلامی به‌عنوان نفقه برای شوهر الزامی دانسته شده، در برخی دیدگاه‌های اهل‌بیت، ارزشی فراتر از جهاد نیز یافته است. امام رضا علیه‌السلام فرمود: «هرکسی در طلب فضل خداوند باشد تا کفاف خانواده‌اش را فراهم آورد، اجری عظیم‌تر از اجر مجاهد در راه خدا دارد».[۶] این اجر والاتر، ممکن است ناظر به سختی شرایط اقتصادی و حساسیت رزق حلال باشد که گاهی آن را از نقش نظامی هم سنگین‌تر می‌سازد و نیز ممکن است ناظر به ضرورت مستمر آن و بازه

---

۱. طبرسی، ***مکارم الاخلاق***، ص ۱۹۶.
۲. اسعدی، ***تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی***، ص ۳۵.
۳. کلینی، ***الکافی***، ج ۵، ص ۸۸.
۴. فراهیدی، ***کتاب العین***، ج ۵، ص ۲۷۳.
۵. کلینی، ***الکافی***، ج ۵، ص ۸۸.
۶. همان.

زمانی وسیع آن در مقایسه با جهاد نظامی باشد که معمولاً به‌صورت مقطعی مطرح می‌شود.

البته باید دقت داشت که نقش مجاهدانه مرد در مورد خانواده، صرفاً بُعد معیشتی ندارد و تمام امور مرتبط با خانواده را در بر می گیرد تا این کانون از هر نظر تحت حمایت و مراقبت او باشد. امیرالمؤمنین علی‌علیه‌السلام در بیانی مقایسه‌ای فرمود: «سحرخیزیِ هیچ‌کدام از شما در راه خدا، بزرگ‌تر از سحرخیزی در راه پیگیری آنچه فرزندان و عیالش را اصلاح می کند، نیست».[۱] اصلاح امور خانواده، عنوانی عام است که شامل هر مسئله مالی، تربیتی، آموزشی، نظارتی و غیره می‌شود و مرد با مدیریت و قوّامیتی که فرهنگ دینی برایش تعریف کرده، بایستی همه آن‌ها را سامان دهد تا یک خانواده مطلوب شکل بگیرد.

در همین راستا نقش زن در خانواده نیز به‌صراحت به سان جهاد دانسته شده است؛ با این تفاوت که این نقش هم ناظر به شوهر و هم ناظر به فرزندان به‌صورت مجزا در نظر گرفته شده است. در مرحله اوّل، امیرالمؤمنین علی‌علیه‌السلام نه در بیانی تشبیهی، بلکه در بیانی تعیینی، جهاد زن را «شوهرداری نیکو» عنوان کردند.[۲] این بیان حاکی از آن است که برخی نقش‌های خانوادگی مشابه جهاد نیست، بلکه همان جهاد و همسان با جهاد است؛ منتها در عرصه‌ای متفاوت که همسو با احکام شریعت در تعطیلی جهاد نظامی در معرکه نسبت به زنان در نظر گرفته می شود. به دیگر سخن، معرکه جهاد زن، بستر خانواده در نظر گرفته شده است. هرچند کم‌وکیف آن به‌صورت موردی در بیان اهل‌بیت در اخلاق و آداب همسرداری تعریف شده که خارج از عرصه این پژوهش است.

به‌هرروی این ارزش‌گذاری به روشنی می‌فهماند که اصل ازدواج و سپس نقش همسری برای دختران و بانوان، به‌مثابه حضور در عرصه جهاد شناخته می‌شود و گریز یا طفره‌روی از این مسئولیت خطیر، می‌تواند تبعاتی همسان با تبعات جهادگریزی در میان مردان جامعه داشته باشد و در لایه‌ای عمیق‌تر، حتی خطرات امنیتی به‌دنبال داشته باشد؛ زیرا همان‌گونه که ترک جهاد، امنیت جامعه ایمانی را به مخاطره می‌اندازد، فاصله‌گیری دختران و زنان جامعه از ازدواج، هم خطرات جمعیتی در کاهش فرزندآوری به دنبال دارد و هم زمینه فسادهای اخلاقی و شکل‌گیری گسترده ارتباطات جنسی نامشروع و خشونت‌های مرتبط با آن را افزایش می‌دهد؛ موضوعی که امروزه تمدن غربی به‌روشنی با آن درگیر است و حتی تبعات جنایی گسترده هم داشته است.[۳]

بر همین اساس فرهنگ اسلامی با جهادانگاریِ نقش زن در پذیرش مسئولیت خانوادگی به ضمیمه

---

۱. ابن‌حیون، ***دعائم الاسلام***، ج ۲، ص ۱۵.

۲. ***نهج‌البلاغه***، ***کلمات قصار***، ص ۱۳۶.

۳. اخیراً یورونیوز در گزارشی اعلام کرد: «زن‌کشی، آزار فیزیکی و جنسی اپیدمی‌های خاموش اروپا هستند».
https://parsi.euronews.com/2023/03/08/violence_agaisnt_women_there_is_any_solution

نقش پیشین مرد، می کوشد تا این پیامدها را از تمدن اسلامی دور سازد. لذا زنان را به افزایش ظرفیت و توسعه روحی در حریم خانوادگی و سازگاری با شوهر ترغیب می کند. امام علی علیه‌السلام فرمود: «جهاد زن آن است که بر آنچه از اذیت و غیرت شوهرش بر او می رسد، صبر کند».[۱] بنابراین حفظ و حراست از خانواده در بُعد معیشتی و مدیریتی به عهده مرد و در بُعد اخلاقی و رفتاری، در وهله نخست به عهده زن است که با صبوری و سعه صدر خود، آن را استوار بدارد تا این نهاد کوچک بتواند نقش‌های مهم خود را به خوبی ایفا کند. دقیقاً به همین جهت است که در راستای جهادانگاری، ارزش شهادت و اجر شهید را نیز برای زن صبور در مواجهه با همسر تعریف کرده‌اند.[۲]

در همین راستا، نقش خانوادگی مهم‌تری نسبت به زن وجود دارد که ناظر به مسئله مهم جمعیت در یک تمدن است. رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله فرمود: «هنگامی که زن باردار می‌شود، به‌سان روزه‌دارِ نمازخوانی است که با جان و مال در راه خدا جهاد می‌کند.»[۳] روشن است سختی‌ها، رنج‌ها و مرارت‌هایی که یک زن در دوران بارداری به جان می‌خرد، بسیار سنگین است و نیاز به صبر و تحمل زیادی دارد و از این منظر، جهادانگاریِ بارداری، موضوعی روشن و کاملاً قابل درک است. لذا پذیرش این موضوع و درک این ارزش از سوی عموم بانوان در تمدن اسلامی، ضامن حفظ جوانی جمعیت است که یک الزام مهم در مسیر شکوفایی تمدن است؛ موضوعی که امروزه در ایران اسلامی به‌عنوان یک معضل نسبت به آینده کشور تبدیل شده است. در حقیقت اگر این ارزش جهادی میان زنان جامعه فرهنگ‌سازی نشود، پیری جمعیت و کمبود نیروی کار به‌خودی‌خود می‌تواند یک تهدید تمدنی محسوب شود. به همین جهت است که اندیشمندان، به نقش جمعیت در توسعه پایدار توجه کرده‌اند،[۴] آن را در اقتدار و امنیت اقتصادی لازم دانسته‌اند[۵] و به بررسی آثار آن در استحکام ساخت درونی قدرت نظام پرداخته‌اند.[۶]

نکته پایانی در این بخش آنکه در نگاه اهل‌بیت، نقش جهادی در عرصه خانوادگی علاوه‌بر زن و شوهر، حتی نسبت به نقش خانوادگی فرزندان نیز قابل رهگیری است؛ آن هم در مواردی که بستر جهاد نظامی وجود داشته و جهاد خانوادگی بر جنگ و جبهه ترجیح یافته است. فردی خدمت رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله رسید و

---

۱. کلینی، ***الکافی***، ج ۵، ص ۹.
۲. ابن‌اشعث، ***الجعفریات***، ص ۹۶.
۳. ابن‌بابویه، ***امالی***، ص ۴۱۱.
۴. جواد اطاعت، «جمعیت و توسعه پایدار در ایران»، ***فصلنامه رفاه اجتماعی***، سال یازدهم، ش ۴۲، ص ۳۶ ـ ۷.
۵. علیرضا عسکری، سیدرضا معینی و شهلا کاظمی‌پور، «نقش جمعیت در حفظ اقتدار کشور با رویکرد امنیت اقتصادی»، ***مطالعات امنیت اقتصادی***، سال اول، تابستان ۱۴۰۰، ش ۴، ص ۱۵۴ ـ ۱۲۱.
۶. محمدولی علیئی، «نقش جمعیت و سیاست‌های جمعیتی در استحکام ساخت درونی قدرت نظام جمهوری اسلامی ایران»، ***فصلنامه آفاق امنیت***، سال هشتم، ش ۲۸، پاییز ۱۳۹۴، ص ۱۳۳ ـ ۱۰۷.

عرض کرد؛ من جوان فعال و توانمندی هستم که به جهاد علاقه دارم؛ اما مادری دارم که نسبت به جهاد من اکراه دارد. حضرت فرمود: «بازگرد و نزد مادرت بمان. سوگند به آنکه مرا به حق مبعوث کرد، یک شب انسِ مادرت با تو، بهتر از یک سال جهادِ تو در راه خداست».[۱] طبیعی است که حضرت این توصیه را در شرایطی بیان کرده‌اند که نیروی رزمنده برای جهاد نظامی به‌قدر کفایت وجود داشته و کمبود نفرات از این جهت وجود نداشته است. علاوه‌بر آن به نظر می‌رسد شرایط خانوادگی این فرد به‌گونه‌ای بوده که آن مادر، فرزند دیگری نداشته که این خلأ را برای وی پر کند و لذا نقش خانوادگی این فرزند، اهمیت یافته است. به‌هرحال در چنین شرایطی ، فرزند می‌تواند نسبت به والدین خود، ارزشی فراتر از ارزش جهاد به دست آورد؛ زیرا نهاد خانواده در تمدن اسلامی، جایگاهی بنیادین داشته و حاکمیت نیز نسبت به تأمین نیازهای آن، مسئولیت دارد.

۳. کنشگری سازنده اجتماعی

همان‌گونه که می‌دانیم در فرهنگ اسلامی، نوع تعامل اجتماعی آحاد جامعه با یکدیگر، در مانایی و شکوفایی یک تمدن نقشی تعیین‌کننده دارد؛ همان‌گونه که اهل‌بیت برخی عوامل «عمران» و آبادانی دیار را مستقیماً به عواملی مانند پیوند و رسیدگی به بستگان و یا حُسن همسایگی در یک بستر جغرافیایی مرتبط دانسته اند.[۲] می دانیم این مسائل در نگاه تمدنی به اموری مانند تساهل و تسامح مرتبط است که همگی بر پویایی تمدن اثرگذار هستند.

این موضوع به‌صورت خاص و ناظر به مسئله پژوهش حاضر، ذیل عنوان عام «حُسن خلق» تعریف شده است. امام صادق علیه‌السلام فرمود: «خداوند به‌خاطر خوش‌اخلاقی بنده‌اش، ثوابی همسان با ثواب مجاهد فی سبیل الله اعطا می کند...».[۳] فارغ از ثواب و ارزش اخروی این موضوع، کارکرد تمدنی خوش اخلاقی و چرایی جهادانگاری آن، نیاز به مداقّه بیشتر و تحلیل دقیق تری دارد. واکاوی چیستی و چگونگی این ارزش در دیدگاه اهل بیت مشخص می سازد که ایشان در حدگذاری این موضوع، سه عنصر را تعریف کرده‌اند.[۴] همان امام بزرگوار در پاسخ به سؤالی مبنی بر تعیین حدّ حسن خلق، در کنار طیب کلام و گشاده رویی، موضوع «لین جانب» را مطرح فرموده که آن را عدم جنباندن پهلوها به هنگام حرکت و فروتنی ترجمه کرده‌اند.[۵] این ویژگی اخلاقی به‌روشنی مانع از شکل‌گیری روحیه خودخواهی، غرور و

---

۱. کلینی، ***الکافی***، ج ۲، ص ۱۶۳.
۲. همان، ص ۱۵۲.
۳. همان، ص ۱۰۱.
۴. ابن‌بابویه، ***معانی الاخبار***، ص ۲۵۳.
۵. محمدی، ***ترجمه معانی الاخبار***، ج ۲، ص ۱۱۸.

منیّت در انسان می‌شود که سرمنشأ ایجاد بسیاری از چالش‌های اجتماعی و تمدنی در طول تاریخ بوده است. عدم برخورداری از این ویژگی اخلاقی، در میان عوام جامعه دارای تبعات محدود و در میان حاکمان و دولت‌مردان تبعات بسیار سنگینی دارد که شامل هرگونه استبداد و ساختار طبقاتی می‌شود.

در همین راستا، نقطه مقابل این موضوع در تعامل اجتماعی، جهادانگاری شده و رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله بالاترین درجه جهاد را چنین توصیف کرده‌اند: «با فضیلت‌ترین جهاد آن است که کسی صبح کند، درحالی‌که اراده ظلم به هیچ انسانی را نداشته باشد».[۱] این گفتار نبوی، فراتر از کنشگری فرد، انگیزش فرد را نیز معیار دانسته و سالم‌سازی هرچه بیشتر در تعاملات اجتماعی را ارزش‌گذاری کرده است.

اما غیر از موضوع فوق، موضوع مهم‌تری نیز در فرهنگ اسلامی جهادانگاری شده است که در پویایی یک تمدن دارد. امام صادق علیه‌السلام فرمود: «مسلمان هنگامی که برادر مسلمانش نزد او می‌آید و او برای رفع حاجتش به‌همراه وی می رود، مانند مجاهد در راه خدا است».[۲] عنوان «حاجت» که در متن روایت آمده است، عنوانی عام است که شامل هرگونه نیاز اقتصادی، اداری، خانوادگی و غیره می شود. براین‌اساس، پیشوایان فرهنگ اسلامی مترصد ایجاد نوعی از مسئولیت‌پذیری در امت اسلامی هستند که آحاد جامعه ایمانی، نسبت به کاستی‌ها و کمبودهای برادران و خواهران ایمانی خود، پیگیر و دغدغه‌مند باشند و هیچ‌گاه حس بی‌تفاوتی و طفره‌روی میان آنان گسترش نیابد. در واقع هنجار فوق به‌روشنی می‌تواند پویایی همگانی در تأمین نیازهای روزآمد در تمدن دینی را به دنبال داشته باشد؛ زیرا فرهنگ اسلامی علاوه‌بر اینکه دولت اسلامی را در این زمینه وظیفه‌مند می‌داند، هر فرد برخوردار از عنصر ایمان را نیز در این عرصه کارآمد می‌داند. در این فرایند، علاوه‌بر نقش‌آفرینی سازمان‌یافته، نقش‌های داوطلبانه و غیرسازمان‌یافته نیز بروز پیدا می‌کند؛ دقیقاً به‌سان امور خیریه‌ای که به‌صورت مردمی در جامعه اسلامی انجام می‌شود.

۴. مجاهدت علمی و تولید دانش

یکی از ابعاد روشن جهادانگاری در الزامات تمدن‌سازی، مربوط به نقش‌آفرینی علمی در ایجاد پیشرفت علمی و دستیابی به بالاترین سطح از توانمندی دانش‌بنیان است. می‌دانیم تمدن‌پژوهان علوم و فنون را به‌عنوان یکی از ارکان تمدن و عالی‌ترین محصول خرد انسان و ابزار تعالی تمدن برشمردند.[۳] این موضوع در آموزه‌های اهل‌بیت، در دو سطحِ همسان و ناهمسان، جهادانگاری شده است:

---

۱. ابن‌اشعث، ***الجعفریات***، ص ۷۸ و ابن‌بابویه، ***من لا یحضره الفقیه***، ج ۴، ص ۳۵۳.

۲. کوفی اهوازی، ***المؤمن***، ص ۵۶.

۳. جان احمدی، ***تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی***، ص ۲۹.

سطح نخست جهادانگاری همسان در نقش علمی با نقش نظامی است. امیرالمؤمنین فرمود: «دانشمند به‌منزله روزه‌دارِ شب‌زنده‌دارِ مجاهد در راه خداست...».[۱]

سطح دوم، جهادانگاری ناهمسان و بالاتر از جهاد نظامی است. امیرالمؤمنین فرمود: «همانا دانشمند اجری عظیم‌تر از روزه‌دارِ شب‌زنده‌دارِ مجاهد در راه خدا دارد...».[۲] هرچند موضوع جهادانگاری نقش علمی در هر دو بیان مشترک است، اما بایستی جنبه تمایز در میزان ارزش‌گذاری، مورد تحلیل قرار گیرد. جهادانگاری همسان، می‌تواند ناظر به کارکرد همسان جهاد نظامی و جهاد علمی در ایجاد قدرت و اقتدار تمدنی باشد. به این معنا که همان‌گونه که رزمندگان عرصه نظامی با جهاد خود، برای نظام اسلامی قدرت‌زایی و امنیت‌آفرینی می‌کنند، مجاهدان عرصه علمی نیز با دستیابی به دانش روز دنیا، همان کارکرد را محقق می‌سازند و این کارکرد همسان، ارزش‌گذاری همسان را هم به دنبال داشته است.

اما ارزش‌گذاری بالاتر نقش علمی نسبت به نقش نظامی، می‌تواند دو بُعد داشته باشد:

از یک جهت ناظر به کارکرد انحصاری تولید علم باشد؛ یعنی عملکرد دانش‌بنیان دانشمندان که پیشرفت علمی، اقتصادی، صنعتی را برای یک ملت به ارمغان می‌آورد، نمی‌تواند با نقش نظامی صرف محقق شود و این موضوع باعث شده تا ارزش مجاهدت علمی فراتر از جهاد نظامی انگاشته شود. دقیقاً همان‌گونه که امام صادق علیه‌السلام، وزنه مداد علماء را در روز قیامت، سنگین‌تر از خون شهدا دانسته‌اند.[۳]

جهت دوم، وابستگی عرصه نظامی به پیشرفت علمی است. وضعیت امروز جهان به‌روشنی گویای این نکته است که اگر پیشرفت علمی ناظر به صنایع نظامی در یک جامعه محقق نشود، توان دستیابی به قدرت نظامی هم وجود نخواهد داشت. هرچند می دانیم صنعت نظامی به ضمیمه جوهره ایمان و شهادت‌طلبی، قدرت‌زاست؛ اما به‌هرروی یک عنصر مهم در اقتدار نظامی، برخورداری از دانش روزآمد نظامی است و این بُعد علمی، نقش دانشمندان را پررنگ‌تر از جهاد ساخته است. بنابراین جهادانگاری نقش علمی، از یک جهت همسان با جهاد نظامی و از یک جهت فراتر از جهاد نظامی دانسته می‌شود و هر دو سطح، ناظر رویکردی مشخص از جایگاه علم در یک تمدن است.

نکته پایانی در این بخش آنکه هرچند فرهنگ اسلامی، علم‌آموزی را همسان با جهاد شرعی، به عنوان یک «فریضه» و بایسته معرفی کرده است،[۴] اما ازآنجاکه جهاد نظامی عمدتاً یک نیاز مقطعی و علم‌آموزی یک نیاز مستمر و همیشگی است، ارزش‌گذاری متفاوتی برای آن در نظر گرفته تا مجاهدت

---

۱. ابن‌بابویه، ***خصال***، ج ۲، ص ۵۰۴.
۲. مفید، ***الارشاد***، ج ۱، ص ۲۳۰.
۳. ابن‌بابویه، ***الامالی***، ص ۱۶۸.
۴. برقی، ***محاسن***، ج ۱، ص ۲۲۵.

علمی با رویکرد کمال‌گرایانه دنبال شود. لذا امیرالمؤمنین در خطابی جمعی و ناظر به عموم جامعه فرمود: «ای مردم بدانید که همانا کمال دین در علم‌جویی و عمل به علم است...».[۱] این بیان علاوه‌بر آنکه اشاره به پیوند علم و دین دارد، تخصص‌گرایی در سبک زندگی و رفتارهای شخصی انسان را نیز رهنمون می‌شود.

۵. عدالت‌ورزی و فسادستیزی در نهاد حاکمیت

نهاد حاکمیت، چه در تمدن اسلامی و چه غیر آن، نقطه رأس هرم هر تمدن است که هم ساختار آن را تعریف و تحدید می‌کند و هم ضوابط حاکم بر سایر اضلاع تمدن را مشخص می‌کند. بااینکه در طول تاریخ تمدن های فراوانی وجود داشتند که با وجود فسادهای خرد و کلان، قدرت تمدنی نیز داشته اند، اما در تمدن تراز اسلامی، حاکمیت با عنصر عدالت و معنویت می‌تواند به نقطه مطلوب خود دست یابد. به همین جهت اهل‌بیت، «عدل» را زینت و زیبایی هر حاکمی برشمرده‌اند.[۲]

در همین راستا، عدالت‌گستری و برپایی حق در میان مردم نیز به‌صراحت جهادانگاری شده است. امیرالمؤمنین به حارث همدانی فرمود: «همانا نیکوترین گفتار، حق است و کسی که به حق داوری کند، مجاهد است...».[۳] داوری به حق، هم می تواند ناظر به شأن قضایی حاکم اسلامی باشد که او را در مسیر دادگستری و قضاوت به حق قرار می دهد و هم می تواند ناظر به سایر مسائل سیاسی و اجتماعی باشد که حاکم به‌عنوان قدرت برتر، مسائل گوناگون بین اقشار جامعه را حل‌وفصل کند. همان‌گونه که حاکم می‌تواند در نزاع ایجادشده میان دو گروه از جامعه، با حق‌گویی خود، مخاصمه را پایان دهد، می‌تواند با گفتار ناحق، بر آتش منازعه افزوده و شکاف و تنش اجتماعی و مخاطرات امنیتی ایجاد کند.

اما علاوه‌بر بایستگی حاکمیتی، در گام دوم و در نگاه جامع اهل‌بیت، همین جهادانگاری ناظر به آسیب‌شناسی حاکمیت و شرایطی که حاکم عدالت‌ورز وجود ندارد نیز دنبال شده است. رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله فرمود: «همانا بافضیلت‌ترین جهاد، سخن حقی است که نزد حاکم جائر بیان شود...».[۴] به‌صورت طبیعی حکومت جور در هر جامعه، فضایی محدود و توأم با اختناق ایجاد می‌کند که با قهر و غلبه، همگان را به کرنش و اطاعت در برابر خود وادارد و در همین مسیر، فضای انسداد عمومی برای همگان ایجاد می‌کند. فرهنگ جامع اسلامی، این شرایط خاص و حادّ را پیش‌بینی و عنصر مبارزه سیاسی عدالت‌خواهانه را در مطالبه‌گری در برابر این حاکم تعریف کرده است.

---

۱. کلینی، ***الکافی***، ج ۱، ص ۳۰.
۲. لیثی، ***عیون الحکم***، ص ۲۷۶.
۳. مفید، ***الامالی***، ص ۵.
۴. کلینی، ***الکافی***، ج ۵، ص ۶۰ و ابن‌بابویه، ***خصال***، ج ۱، ص ۶.

این الزام مهم در واقع، عاملی است که می‌تواند از یک سو بر حاکمیت فشار اجتماعی وارد کند و به پاسخگوشدن هرچه بیشتر کارگزاران کمک کند و از سوی دیگر می‌تواند در میان سایر افراد و اقشار جامعه نیز، تحرک ایجاد کند و با شکل‌گیری یک خیزش عمومی، مسیر اصلاح و یا تغییر حاکمیت را فراهم آورد و از همین روست که همسان جهاد دانسته می‌شود. البته همان‌گونه که تاریخ تمدن اسلامی در دوران اختناق امویان و تزویر عباسیان شاهد آن است، این موضوع می تواند خطرات جانی نیز برای مجاهدان حق‌طلب و حق‌گو به دنبال داشته باشد که بیان و بررسی آن از حدود این پژوهش خارج است.

نکته پایانی آنکه این خطرات جانی برای عنصر فسادستیز در نهاد حاکمیت، به معنای سلب امنیت از عموم جامعه نیست، بلکه به معنای فداکاری و از خودگذشتگی عناصر حق‌طلب و شاخص برای اصلاح عمومی دولت و ملت است. به دیگر سخن، در فرایند فسادستیزی ممکن است فرد یا گروه مجاهدی در جامعه با خطر جانی مواجه شوند، اما فداکاری این افراد، فساد یا عدم مشروعیت نهاد حاکمیت را آشکار می سازد و زمینه فسادستیزی عمومی را فراهم می‌کند؛ حال چه فسادستیزی به اقدام نظامی و خطر جانی منجر شود چه نشود. دقیقاً به همین جهت است که سیدالشهدا در مسیر حرکت به‌سمت کوفه، فرمود: «آیا نمی‌بینید که به حق عمل نمی‌شود و از باطل نهی نمی‌شود؟ در چنین وضعی مؤمن باید به لقای الهی رغبت پیدا کند».[1] آنگاه امام، سعادت را در شهادت دانستند. واژه سعادت در این گفتار می‌تواند ناظر به حسن عاقبت شخصی باشد و یا ،با وجود قشر فسادستیز، می‌تواند ناظر به سعادت جامعه تلقی شود.

نتیجه

براساس یافته‌های پژوهش حاضر، برخی نقش‌های غیرنظامی در تمدن‌سازی به‌عنوان جهاد معرفی شده یا بسان جهاد نظامی ارزش‌گذاری شده و یا حتّی فراتر از جهاد نظامی دانسته شده‌اند. در نتیجه‌گیری از این موارد می‌توان به‌روشنی اذعان کرد که هر نقش غیرنظامی که مانند جهاد نظامی، امنیت‌آفرین و قدرت‌زا است، به‌عنوان جهاد لحاظ شده است. به دیگر سخن، ثمره مشترک این موارد با جهاد نظامی، باعث شده است که در نگاه معصومان، ارزش جهاد منطبق بر این موضوعات نیز باشد.

نتیجه دیگر آنکه در فرهنگ اسلامی، ارزش وافر جهاد، محدود به عرصه نظامی قلمداد نشده و در حقیقت، در دسترسی به آن ارزش، محدودیتی وجود ندارد. در واقع فرهنگ اسلامی با جهادانگاری موارد فوق، وجود بن‌بست را برای دسترسی به آن ارزش در شرایطی که وضعیت نظامی وجود ندارد، مردود می‌داند و به جامعه هدف می‌فهماند که حتی اگر جنگ و جبهه‌ای هم در کار نباشد، مؤمنان و آحاد امت

---

۱. اربلی، ***کشف الغمه***، ج ۲، ص ۳۲.

می‌توانند با پیاده‌سازی این عناصر، به همان ارزش دست یابند و گمان نبرند که ارزش جهاد برای آنان دست یافتنی نیست؛ دقیقاً همان‌گونه که بسیاری از آموزه‌های ایشان، اجر شهید را برای برخی هنجارهای خطیر در عرصه اجتماعی و تمدنی تعریف می‌کنند.

نتیجه پایانی آنکه دقیقاً به سان جهاد نظامی که برای رزمندگان و مجاهدان خطر جانی در پی دارد، جهادهای تمدنی نیز بایستی عرصه مجاهدت از جان و دل باشد و نیازمند نوعی از جان گذشتگی است؛ زیرا در شرایط خاصی می‌تواند خطر برای مجاهد تمدنی جانی هم به دنبال داشته باشد؛ به‌ویژه در مورد یافته پایانی که در برابر حاکم جور انجام می‌پذیرد و نیازمند خطرپذیری و شجاعت بسیار بالایی است.

منابع و مآخذ

قرآن کریم.

۱. ابن‌اثیر جزری، مبارک بن محمد (۱۳٦۷). ***النهایه فی غریب الحدیث و الاثر***. محمود محمد طناحی. قم: اسماعیلیان.

۲. ابن‌اشعث، محمد بن محمد (بی‌تا). ***الجعفریات***. تهران: مکتبه النینوی.

۳. ابن‌بابویه، محمد بن علی (۱۳٦۲). ***الخصال***. قم: جامعه مدرسین.

٤. ابن‌بابویه، محمد بن علی (۱۳۷٦). ***الامالی***. تهران: کتابچی.

۵. ابن‌بابویه، محمد بن علی (۱۳۷۷). ***معانی الاخبار***. ترجمه عبدالعلی محمدی شاهرودی. تهران: دار الکتب الاسلامیه.

٦. ابن‌بابویه، محمد بن علی (۱۳۸۵). ***علل الشرایع***. قم: داوری.

۷. ابن‌بابویه، محمد بن علی (۱٤۰۳ ق). ***معانی الاخبار***. علی‌اکبر غفاری. قم: دفتر انتشارات اسلامی.

۸. ابن‌بابویه، محمد بن علی (۱٤۱۳ ق). ***من لا یحضره الفقیه***. علی‌اکبر غفاری. قم: دفتر انتشارات اسلامی.

۹. ابن‌حیون، نعمان بن محمد (۱۳۸۵ ق). ***دعائم الاسلام***. آصف فیضی. قم: مؤسسه آل‌البیت.

۱۰. اربلی، علی بن عیسی (۱۳۸۱ ق). ***کشف الغمه***. سید هاشم رسولی محلاتی. تبریز. بنی‌هاشمی.

۱۱. اسعدی، محمد مصطفی (۱٤۰۱). ***تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی***. قم: دفتر نشر معارف.

۱۲. اسعدی، محمد مصطفی (۱٤۰۳). تعلیل جهادانگاری الزامات غیرنظامی تمدن‌سازی مبتنی بر اندیشه تمدنی رهبر انقلاب. ***مطالعات سیاسی تمدن نوین اسلامی***. ۷ (٤). ۳۰ ـ ۱۲.

۱۳. اطاعت، جواد (۱۳۹۰). جمعیت و توسعه پایدار در ایران. ***فصلنامه رفاه اجتماعی***. ۱۱ (۳). ۳٦ ـ ۷.

١٤. برقی، احمد بن محمد (ق ١٣٧١). ***المحاسن***. جلال الدین محدث. قم: دار الکتب الاسلامیه.

١٥. تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد (١٣٦٦). ***تصنیف غرر الحکم و درر الکلم***. مصطفی درایتی. قم: دفتر تبلیغات.

١٦. ثقفی، ابراهیم بن محمد (١٤١٠ ق). ***الغارات***. عبدالزهرا حسینی. قم: دار الکتاب الاسلامی.

١٧. جان احمدی، فاطمه (١٣٩٦). ***تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی***. قم: دفتر نشر معارف.

١٨. جعفری، محمدتقی (١٣٧٦). ***ترجمه و تفسیر نهج‌البلاغه***. تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.

١٩. حرّ عاملی، محمد بن حسن (١٤٠٩ ق). ***وسائل الشیعه***. قم: مؤسسه آل‌البیت.

٢٠. خزار رازی، علی بن محمد (١٤٠١ ق). ***کفایه الاثر***. عبداللطیف حسینی. قم: بیدار.

٢١. دورانت، ویل (١٣٦٨). ***درآمدی بر تاریخ تمدن***. احمد بطحایی و خشایار دیهمی. تهران: سازمان انتشارات آموزش انقلاب اسلامی.

٢٢. رجبی، طاهره و محمدحسن میرزامحمدی (١٣٩٧). بررسی الگوی تربیتی مبتنی بر جهاد در زمینه‌سازی تمدن نوین اسلامی. ***مطالعات بنیادین تمدن نوین اسلامی***. ١ (١). ٣٨ ـ ٧.

٢٣. الشریف الرضی، محمد بن حسین (١٤١٤ ق). ***نهج‌البلاغه***. قم: هجرت.

٢٤. صالحی امیری، سید رضا (١٣٨٦). ***مفاهیم و نظریه‌های فرهنگی***. تهران: ققنوس.

٢٥. طبرسی، حسن بن فضل (١٣٧٠). ***مکارم الاخلاق***. قم: الشریف الرضی.

٢٦. عسکری، علیرضا و سید رضا معینی و شهلا کاظمی‌پور (١٤٠٠). نقش جمعیت در حفظ اقتدار کشور با رویکرد امنیت اقتصادی. ***مطالعات امنیت اقتصادی***. ١ (٤). ١١٨ ـ ٩٧.

٢٧. علیئی، محمدعلی(١٣٩٤). نقش جمعیت و سیاست‌های جمعیتی در استحکام ساخت درونی قدرت نظام جمهوری اسلامی ایران. ***فصلنامه آفاق امنیت***. ٨ (٣). ١٦٠ ـ ١٣٩.

٢٨. فراهیدی، خلیل بن احمد (١٤٠٩ ق). ***کتاب العین***. قم: هجرت.

٢٩. قمّی، علی بن ابراهیم (١٤٠٤ ق). ***تفسیر القمّی***. طیّب موسوی جزائری. قم: دار الکتاب.

٣٠. کاشفی، محمدرضا (١٣٩٢). ***تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی***. قم: انتشارات المصطفی.

٣١. کلینی، محمد بن یعقوب (١٤٠٧ ق). ***الکافی***. تهران: دار الکتب الاسلامیه.

٣٢. کوفی اهوازی، حسین بن سعید (١٤٠٤ ق). ***المؤمن***. قم: مؤسسه الامام المهدی.

٣٣. لیثی واسطی، علی بن محمد (١٣٧٦). ***عیون الحکم و المواعظ***. قم: دار الحدیث.

٣٤. مجلسی، محمدباقر (١٤٠٣ ق). ***بحار الأنوار***. بیروت: دار احیاء التراث العربی.

۳۵. مشایخی‌پور، محمدعلی (۱۴۰۱). بررسی چیستی جهاد کبیر و نقش آن در تمدن‌سازی اسلامی. ***پژوهش‌های گفتمان تمدنی انقلاب اسلامی***. ۲ (٤). ۵۰ ـ ۲۷.

۳٦. معین، محمد (۱۳۸٦). ***فرهنگ فارسی***. تهران: ادنا.

۳۷. مفید، محمد بن محمد (۱٤۱۳ ق). ***الارشاد***. قم: کنگره شیخ مفید.

۳۸. مفید، محمد بن محمد (۱٤۱۳). ***الامالی***. قم: کنگره شیخ مفید.

۳۹. ورّام بن ابی‌فراس، مسعود بن عیسی (۱٤۱۰ ق). ***مجموعه ورّام***. قم: مکتبه فقیه.